

کندوکاو حقوق و تکالیف شهروندی در نهج البلاغه

محمدجواد حیدری¹

چکیده

رشد و گسترش بی‌رویه شهرها و افزایش جمعیت آن‌ها در قرون اخیر، سبب انباشت مادی ثروت و سرمایه در فضای شهرها شده است. وضع مقررات و قوانین شهری و تعریف حقوق و تکالیف شهروندی برای برقراری نظم و امنیت اجتماعی در شهرها، همواره مورد توجه اندیشمندان و متفکران و مدیریت شهری بوده است و در این راه، بازگشت دوباره به آموزه‌های دین اسلام و خط‌مشی‌های برجای‌مانده از راهنمایی‌های بزرگان آن چون امام علی (ع)، راهگشای بسیاری از مسائل خواهد بود. از منظر امام علی (ع) هرکدام از اعضای جامعه عضوی از پیکره امت اسلامی‌اند که دارای ارتباط عمیق و صمیمی و حقوقی متقابل نسبت به یکدیگرند. این نوشته در دو بخش به صورت توصیفی و در قالب پژوهش راهبردی انجام می‌گیرد. شیوه کار، پژوهش کتابخانه‌ای و آرشیوی است و فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه اسلام و تربیت‌یافتگان مکتب اسلام چون امام علی (ع)، نگاه مترقیانه‌ای به شهروندی و حقوق و تکالیف آن دارند. واژگان کلیدی: شهروندی، امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، حقوق و تکالیف شهروندی، جامعه اسلامی.

1. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز / mj.heydari@tabriziau.ac.ir

1. مقدمه

هرچند مفهوم «حقوق شهروندی» مفهوم و پدیده نوینی در جهان معاصر به شمار می‌رود، اما آموزه‌های فلسفی باستان و همچنین آموزه‌های مذهبی ادیان توحیدی مانند مسیحیت و اسلام، بر اصالت آن گواهی می‌دهد. نقش آموزه‌های نشئت‌گرفته از آموزه‌های مذهبی به‌ویژه در حوزه حقوق طبیعی و فطری، بی‌گمان در تکوین شاکله نوین این مفهوم در غرب انکارناشدنی است. در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان آخرین، جوان‌ترین و کامل‌ترین دین توحیدی - که بر حقانیت رسالت انبیای پیشین نیز مهر تأیید نهاده است - رهنمودهای مهم و اندیشه‌برانگیزی در حوزه فردی و شهروندی وجود دارد (احمدی طباطبایی، 1388: 6). به‌طوری‌که علاوه بر آیات قرآن کریم¹ و احادیث ائمه معصومین² F7 G، بارها در سخنان بزرگان دینی و تربیت‌یافتگان مکتب اسلام چون امام خمینی (ره)³ و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به این موضوع پرداخته شده است.

طرح بحث شهروندی و حقوق و تکالیف مرتبط با آن از دیدگاه نهج‌البلاغه و حضرت علی F7 G بهترین شیوه در دستیابی به این حوزه است، زیرا در سایه عمل به مضامین نهج‌البلاغه که پس از قرآن کریم بهترین و کامل‌ترین کتاب راهنمای بشری بوده و در حکم برادر قرآن است، مدینه فاضله‌ای را که بشر در آرزوی آن است، دست‌یافتنی‌تر و امکان‌پذیرتر می‌نماید (گل‌صنم‌لو و موحدی‌محب، 1390: 128). دیگر اینکه حضرت علی F7 G برای مدتی زمامداری حکومت اسلامی را در دست داشته و بیش از سایر دوره‌ها، زمامداری آن حضرت با تنوع نژادها، زبان‌ها، رنگ‌ها، دین‌ها و سرزمین‌ها روبه‌رو بوده و گروه‌های سیاسی، عقیدتی و کلامی رشد کرده بودند (پورطهماسی و تاجور، 1390: 1). در این مقاله با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع شهروندی و حقوق و تکالیف مرتبط با آن، تلاش شده است با بیان گوشه‌ای از معارف نهج‌البلاغه، به بیان دیدگاه‌های حضرت علی F7 G در این‌باره پرداخته شود.

1. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (سراء: 70).

2. جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ (شرح غررالحکم، جلد 3: 370).

3. «من مکرر اعلام کرده‌ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند» (صحیفه نور، جلد 16: 443).

1-1. بیان مسئله

پرسش‌های تحقیق حاضر عبارتند از:

(الف) با توجه به عصر جهانی شدن، آیا در نهج البلاغه نظریه‌هایی در زمینه حقوق شهروندی وجود دارد که چراغ راه انسان امروز باشد؟

(ب) حقوق و تکالیف متقابل زمامداران و مردم از دیدگاه حضرت علی (ع) چیست؟

1-2. تحولات حقوق و تکالیف شهروندی

اصول حقوق شهروندی تا قرن هجدهم میلادی به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است، اما اندیشه حفظ حقوق شهروندی قدمتی به درازای تاریخ تمدن انسانی دارد (علیا، 1390: 181)؛ هرچند اغلب محققان در استناد به ریشه تاریخی این مفهوم از حیث دیرینگی، آن را به یونان باستان نسبت می‌دهند و معتقدند در دولت‌شهرهای یونانی، کسانی از این حق بهره‌مند می‌شدند که موفق به کسب و تحصیل فضایل شده و دارای فضیلت سیاسی شوند. از نظر گیرشمن، در یونان باستان - که ارسطو را بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز حقوق مردمان این سرزمین می‌دانند - اصطلاح شهروند در مقابل بیگانه و برده قرار می‌گرفته است و تنها افراد آزاد آن سرزمین به‌عنوان شهروند از حقوق کامل برخوردار بوده‌اند. در روم باستان نیز رومیان با ملت رقیب خود متحد شده و با آن‌ها مانند ملتی هم‌شأن خود رفتار می‌کردند، ولی در زمان ضعف آن ملت، آن‌ها را تابع و مطیع خود کرده و ظلم و ستم روا می‌داشتند (گیرشمن، 1388: 143).

در دوره قرون وسطی، همراهی روحانیون مسیحی با پادشاهان و فئودال‌ها، بدترین حق‌کشی‌ها را موجب می‌شد. دادگاه انگیزاسیون و نظام قضایی اتهامی، شکنجه و انواع حق‌کشی‌های غیرانسانی، کرامت انسانی را لگدمال می‌کرد. در این نظام قضایی اصل کرامت انسانی به فراموشی سپرده شده بود (دستمالچیان، بی تا: 19). نقطه عطف در تحول مفهوم حقوق شهروندی را باید در تحولات اروپای پس از قرون وسطی جست‌وجو کرد. رعایت‌نکردن حقوق بشر و اصول اولیه انسانی در آن دوران سبب شد تا اروپاییان به فکر نگارش و اعلام آن بیافتند. «اعلامیه حقوق بشر و شهروندی» فرانسه در سال 1789 از نخستین اسنادی است که این موضوع در آن مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن کشورهای دیگر نیز قوانینی را برای حفظ حقوق شهروندان‌شان وضع کردند. در این دوره با تغییرات در جوامع و گسترش حدود طبقات متوسط جامعه که خواهان حقوقی متناسب بودند،

زمینه تدوین حقوق متضمن منافع اکثریت جامعه فراهم شد. انقلاب فرانسه و نیز استقلال امریکا این روند تدوین را سرعت بخشید و به جوامع دیگر بسط داد (دستمالچیان، بی تا: 19).

پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر F9 G به یثرب باز می‌گردد و نخستین بارقه‌های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار شد، چراکه حقوق شهروندی زمانی موضوعیت دارد که هر دو رکن آن یعنی حکومت و مردم شکل گرفته باشند؛ به سخن دیگر ظرف تحقق شهروندی تشکیل حکومت است (احمدزاده، 1384: 104). پیامبر F9 G با الهام از آموزه‌های وحیانی، شاخصه‌های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین شکل ممکن به اجرا درآورد. آموزه‌های قرآنی با تأکید بر برابری و برادری همه افراد از هر نژاد و قبیله‌ای، تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می‌کند. از اصول مهم آموزه‌های دین اسلام، اهمیت حفظ و رعایت حق‌الناس است. چنان‌که بخشش و گذشت در قبال آن را نه در بخشش و عفو خداوند بلکه در رضایت صاحب حق می‌داند (موسوی بجنوردی و مهریزی‌ثانی، 1392: 6). اقدامات و رفتار پیامبر F9 G در طول دوران زعامت بر جامعه مسلمین نیز بیانگر این مطلب است که رعایت حقوق شهروندی در کنار ایجاد حکومت اسلامی، از مؤلفه‌های اصلی سیاست دولت حق‌محور اسلام بود. آموزه‌های قرآنی و سیره نبی اکرم F9 G در سخنان و سیره حکومتی و زندگانی امام علی F7 G نیز تداوم یافت. محور اصلی نگارش مقاله حاضر بر مبنای کنکاش حقوق شهروندی از نظر حضرت امیر است.

3-1. ضرورت و اهمیت پژوهش

در قری که به قرن شهر، شهرت یافته و تفکرات برخاسته از نظام سرمایه‌داری، قانون بقای اصلح (سرمایه‌داران) را در جوامع بشری حاکم کرده است و ندای «فقیران، جوان می‌میرند» رنگ واقعیت به خود گرفته است، حقوق تنها برای سرمایه‌داران است و تکلیف تنها برای ضعیفان. در این عصر، حق و تکلیف شهروندی، به وسیله و ملعبه‌ای در دست صاحبان زر و زور تبدیل شده است که به اقتضای شرایط و مصالح آن را تفسیر و تعبیر می‌کنند. حکومت‌های مشروطه‌ای که با خیزش طبقات پایین جامعه علیه نظام‌های دیکتاتوری و استعماری ایجاد شده و با شعارهای پُرطمطراق برابری و عدالت اجتماعی، به قدرت رسیده و می‌رسند، به عاملی در افزایش تضاد طبقاتی در جامعه تبدیل شده‌اند. در این دوره که منتظران عدالت‌گستر، منتظر مولای خود هستند، بازگشت دوباره انسان امروزی به

دستورات و فرمایش‌های فرازمانی و فرامکانی مولای متقیان می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل و مشکلات عصر حاضر باشد.

یکی از اصول جاری در حکومت علوی، اصل «تمائل حق و تکلیف» یا اصل «تمائل حقوق متقابل» است؛ به این معنا که اثبات هر حقی برای شخص یا اشخاصی، وجوب تکلیف بر وی را نیز ثابت می‌کند؛ یعنی به همان مقدار که مردم در برابر حاکم اسلامی محق هستند، به همان میزان نیز در برابر او مکلفند. حضرت علی (ع) در رابطه با اصل تمائل حقوق متقابل می‌فرماید: «لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرَى لَهُ وَ لَا يَجْرَى عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ» (خطبه 216): حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار می‌رود و چون به زیان کسی اجرا شود، روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجرا شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است، نه دیگر مخلوقات (دشتی، 1382: 216).

2. مفهوم‌شناسی

2-1. مفهوم حق

حق در لغت، مفرد کلمه حقوق است و در زبان فارسی به معنای سزاوار، روا و مقابل باطل است و در زبان عرب نیز معادل همین معنا را دارد. در بیان معنای لغوی کلمه «حق»، برخی بر این باورند که این کلمه در اصل و ریشه لغت عرب به معنای «ثبوت» و «تحقق» است؛ یعنی خود کلمه «تحقق» نیز برگرفته از ریشه «حق» است و وقتی می‌گوییم چیزی تحقق دارد، یعنی ثبوت دارد. برخی نیز «حق» را مطابقت و وقوع شی در محل خویش می‌دانند. همان‌گونه که در ذیل آیه 7 از سوره انفال می‌گوید: «حق آن است که شی در موقع خود واقع شود و آن در تمام مصادیق قابل تطبیق است» (جاوید و دیگران، 1391: 87). در معنای اصطلاحی از واژه «حق» در زبان فارسی معنا شده است: «برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق موضوعه، برای هر فرد امتیازهایی را در برابر دیگران می‌شناسد و توانایی خاصی به او اعطا می‌کند که «حق» می‌نامند و جمع آن حقوق است و حقوق فردی نیز گفته می‌شود» (کاتوزیان، 1386: 374).

2-2. مفهوم تکلیف

در زبان اهل لغت، تکلیف از ریشه «کلف» به معنای «امرکردن به چیزی است که انجام آن دشوار

باشد». در اصطلاح و فرهنگ دین، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می‌شود (جوادی آملی، 1385: 30). در تعریف فقهی این واژه چنین آمده است: «خطاب شارع به انجام‌دادن یا ترک کاری و یا تخیّر بین آن دو و در اصطلاح شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می‌شود». به عبارت دیگر، تکلیف نوعی الزام است که به فعل یا ترک فعل مربوط می‌شود و رابطه‌ای متقابل با حق دارد. به بیان دیگر هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم حقی است (جاوید و دیگران، 1391: 89). مراد از تکلیف، وظایف و مسئولیت‌هایی است که شخص مکلف در برابر صاحب حق ملزم به انجام آن است. به عبارت دیگر، تکلیف یعنی احترام به حقوق دیگران و رعایت آن.

2-3. مفهوم شهروند

در لغت‌نامه دهخدا، شهروند «اهل یک شهر یا یک کشور» تعریف شده است و در ادامه توضیح داده است که پسوند «وند» در گذشته «بند» بوده است و در واقع این واژه، «شهربند» بوده است به معنای «کسی که به شهری بند است» (لغت‌نامه دهخدا). در اصطلاح نیز، شهروند به گروهی انسانی گفته می‌شود که اعضای آن در اثر عوامل پیونددهنده مادی و معنوی به یکدیگر وابسته شوند و نسبت به جماعت احساس تعلق کنند و سرنوشت خود را با سرنوشت سایر اعضا یکی بدانند (قاضی شریعت‌پناهی، 1375: 56).

2-4. مفهوم شهروندی

شهروندی - که یای نسبت در آن وجود دارد - در واقع حاکی از موقعیت و حالت انسانی است که بر اساس آن باید از حقوق و مزایایی برخوردار باشد و تکالیفی را عهده‌دار شود؛ هرچند در دولت‌شهر نباشد؛ یعنی ساکن کشور نباشد (جعفری لنگرودی، 1385: 77). به نظر می‌رسد شهروندی وقتی محقق می‌شود که تمامی افراد جامعه از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از نظر اقتصادی و اجتماعی، دسترسی آسان داشته باشند. شهروندان به‌عنوان اعضای جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم، بر عهده می‌گیرند (جاوید، صادقی، خولنجانی، 1391: 91). در واقع شهروندی به عضویت جامعه‌ای سیاسی گفته می‌شود که به واسطه آن عضویت، برخوردار از حقوقی چون مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ملزم به رعایت و صیانت از ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های جامعه (به‌عنوان تکلیف) است.

2-5. مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه امتیازات و اختیارات ناشی از موقعیت و حالتی است که بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت می‌کند. مؤلفه‌های حقوق شهروندی متشکل از حقوق شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (پورطهماسی و تاجور، 1390: 6). به عبارت دیگر حقوق شهروندی مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد (محسنی، 1386: 160).

2-6. مفهوم تکالیف شهروندی

در مقابل حقوق شهروندی - که در آن دولت و نهاد مسئول مدیریت جامعه ملزم به اعطای امتیازها و اختیاراتی به شهروندان است - در تکالیف شهروندی، این شهروندان هستند که مقید به انجام وظایف و تکالیفی هستند که در جهت منافع عموم بوده و دولت به‌مثابه شخصیتی حقوقی نماینده مشروع و مقبول آن اجتماع است. از آنجاکه تکالیف شهروندی ناشی از قانون اساسی هر کشوری است، از ضمانت اجرایی قانونی نیز برخوردار است.

3. حقوق و تکالیف شهروندی در نهج البلاغه

در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی در نهج البلاغه، باید به سه دسته کلی از حقوق اشاره کرد: حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی و حقوق اجتماعی. هرکدام از این حقوق دارای دسته‌بندی‌هایی است که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

3-1. حقوق سیاسی

3-1-1. احترام به حق آزادی مردم در انتخابات سیاسی

هرچند با استناد به احادیث برجای‌مانده از پیامبر اکرم (ع) F9 G - که به تواتر در منابع اهل سنت و شیعه بیان شده و مورد تأیید است - در مسئله جانشینی حضرت علی (ع) F7 G پس از رسول اکرم، جای تردیدی باقی نمی‌ماند و ایشان نیز بارها در خطبه‌های خود بدان اشاره فرموده بودند و هرگز درصدد دستیابی به حکومت از راه قهر و غلبه نبودند؛ ولی دقت در اقوال و احادیث آن حضرت و نیز مسئله انتخاب ایشان به خلافت پس از خلیفه سوم، ارزشمندی حکومت مردم‌سالاری دینی را آشکار

می‌سازد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «فَمَا رَاعِنِي إِلَّا وَالنَّاسُ إِلَى كَعْرِفِ الضَّبْعِ يَنْتَالُونَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ، حَتَّى لَقَدْ وُطِئَ الْحَسَنَانِ، وَشُقَّ عِطْفَايَ» (خطبه 3): روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پرپشت گفتمار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آنکه نزدیک بود حسن و حسین F7 G لگدمال گردند و ردای من از دو طرف پاره شد (دشتی، 1388: 31). این حقیقت انکارناپذیر تاریخی روشن می‌سازد که آن حضرت به اراده سیاسی مردم احترام می‌گذاشت و هرگز حاضر به احقاق حق خود و تحمیل اجباری خود به مردم با توسل به قوای قهریه نبود.

3-1-2. حق نظارت مردم بر حکومت و انتقاد از آن

یکی از اصول بسیار مهمی که امروزه در جهان سیاست بر آن تأکید می‌شود، لزوم شفافیت حکومت در رابطه با مردم است و چه بسیار حکومت‌هایی که در نتیجه بی‌توجهی به این اصل، فرجامی جز سرنگونی به دست مردم نصیبشان نشده است، زیرا توجه به این اصل در رابطه حکومت با مردم علاوه بر آنکه به اعتماد مردم به حکومت و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها می‌انجامد، از آنجاکه حکومت حضور و نظارت مردم بر اعمال خود را در هر لحظه‌ای احساس می‌کند، انتقادهای مشفقانه آن‌ها را نیز پذیرفته و در طریق صواب به کار خواهد بست. حضرت علی F7 G نیز در عصر زعامت خود بر جامعه مسلمین این اصل را پذیرفته و انتقاد مردم نسبت به حکومت را نشانه خیرخواهی منتقد می‌دانست. به طوری که در این باره فرموده‌اند: «فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَلَا تَحْفَظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ وَلَا تَطْنُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قَبِيلِ لِي» (خطبه 216): پس با من چنان‌که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویید، حرف نزنید و چنان‌که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری مجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حتی به من پیشنهاد دهید، بر من گران آید (دشتی، 1388: 317).

3-1-3. آف‌های مردم‌سالاری

حضرت علی F7 G در پذیرش حکومت و مدیریت جامعه مسلمانان «نگرش امانتی» را مانند قاعده‌ای بنیادین فرا گرفته بودند و کارگزاران خود را نیز به این واقعیت دعوت می‌کردند (پورطهماسبی و تاجور، 1390: 12). آن‌گونه که در نامه‌ای به مالک اشتر حاکم مصر فرموده‌اند: «وَالْوَالِجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقْدَمُكَ: مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ، أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ، أَوْ أَثَرٍ عَنِ نَبِيِّنَا

أَوْفَرِيضَةَ فَيَكْتَابِ اللَّهُ» (نامه 53): آنچه بر تو لازم است آنکه حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های بارز گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر F7 G و واجباتی را که در کتاب خداست همواره به یاد آر (دستی، 1388: 421). از نظر ایشان، خودرأیی حکام، داشتن اخلاق و روحیه‌های ناپسند، فاصله‌گرفتن از مردم، ستم به مردم، غرور و خودپسندی حکام، ترس از فشار خواص و توجه به آن‌ها، رعایت نکردن عدالت در برخورد با مردم، بی‌توجهی به مشورت با مردم، نشناختن مردم و ویژگی‌های جمعی آنان، به‌کارگماردن افراد نالایق از سوی حکام، خشم و عفو نابجا را از آفت‌های مردم‌سالاری دانسته‌اند (نامه 53 و 52).

3-1-4. حقوق اقلیت‌ها و مخالفان

بهترین پشتوانه برای تضمین حقوق مخالفان و اقلیت‌ها، نگرش و ارزشی است که حاکمان نسبت به حقوق دارند. هنگامی که علی F7 G دنیا و ریاست آن را از لنگه‌کفشی وصله‌دار بی‌ارزش‌تر می‌داند، مگر آنکه به واسطه آن بتواند حقی را برپا دارد یا باطلی را از بین ببرد، به یقین حفظ حقوق مخالفان را نیز جزء وظایف اصلی خود می‌داند و کوچک‌ترین مسامحه‌ای را روا نمی‌دارد (گل‌صنم‌لو و موحدی‌محب، 1390: 135). در اثبات این واقعیت، شواهدی از سیره عملی آن حضرت وجود دارد که به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

1. با اینکه ابن‌ملجم جزء خوارج و مخالفان حضرت علی F7 G بود، حتی پس از آنکه آن ملعون ایشان را در محراب عبادت مضروب ساخت، در طول مدت زمانی که آن حضرت مجروح و در بستر بودند، مؤکداً به فرزندشان امام حسن مجتبی F7 G نسبت به پرهیز از رفتار ناشایست با او تأکید می‌فرمودند و پیش از صرف هر نوع طعامی، از تأمین غذای وی پرسش می‌کردند.

می‌زند پس لب او کاسه شیر می‌کند چشم اشارت به اسیر

(شهریار)

2. پس از شکل‌گیری جریان خوارج در جنگ صفین، این گروه به‌شدت به آزار و اذیت امام و یاران وی می‌پرداختند و در این راه، حتی به قتل عام شیعیان و نمایندگان و سفرای امام علی F7 G اقدام می‌کردند. با این حال حضرت علی F7 G با اعطای آزادی بیان، آن‌ها را در اظهار عقیده خود آزاد گذاشته بودند و حتی سهمیه آنان از بیت‌المال را قطع نکردند. «شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه

باشد که حکومتی با مخالفان خود تا این درجه با مدارا رفتار کرده باشد» (مطهری، 1377: 129).

3. حضور حضرت امیر F7 G - به عنوان رییس و رهبر کشور اسلامی - با یک فرد مسیحی (اقلیت) در دادگاه از بارزترین مصادیق احترام به حقوق اقلیت‌هاست (گل‌صنملو و موحدی‌محب، 1390: 136) که در نهایت همین رفتار ایشان به تشرّف آن فرد مسیحی به دین اسلام انجامید.

3-1-5. آزادی

واژه آزادی در تاریخ زبان‌شناسی مترادف‌ها و مخالف‌های متعددی داشته است. لغات مترادف آزادی همچون رهایی، اختیار، عدم مداخله، عدم محدودیت و غیره در برابر واژه‌های مخالفی چون قید، بند، مداخله، محدودیت و غیره قرار می‌گیرد. آزادی از نظر مولای متقیان، هم شامل آزادی فردی و هم آزادی عقیده و بیان می‌شود. در آزادی فردی، انسان را مخلوق خالق یکتا دانسته و بر آزادی او از غیر خدا معتقد است؛ چنان‌که در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی F7 G فرمود: «هرگز بنده دیگری مباش، چراکه خداوند تو را آزاد آفریده است» (دشتی، 1388: 371) و در جای دیگر می‌فرماید: «هیچ فردی به انجام کاری که دوست نمی‌دارد، مجبور نمی‌شود».

از سوی دیگر همانند دین مبین اسلام - که به فحوای آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» (بقره: 256)، انسان را حتی در پذیرش دین که وسیله سعادت و رستگاری وی است، آزاد گذاشته است - در جامعه زمان حضرت علی F7 G، نیز آزادی عقیده و بیان وجود داشت و شاید به قول استاد مطهری، در هیچ عصری آزادی بیان و عقیده به اندازه زمان حضرت علی F7 G وجود نداشته است. اصحاب امام F7 G، هر جا که می‌رسیدند، ضمن احترام به مذهب بومی ساکنان، آن‌ها را در پذیرش اسلام یا باقی ماندن در دین خود به شرط پرداخت مالیات جزیه، آزاد می‌گذاشتند.

3-1-6. حق نصیحت و خیرخواهی

یکی از حقوق مردم بر حکومت‌ها از نظر حضرت علی F7 G، حق نصیحت و خیرخواهی است. از نظر آن حضرت، حاکم اسلامی باید همچون پدری دلسوز و مهربان نسبت به فرزند خویش، خیرخواه جامعه اسلامی بوده و مردم جامعه را به خیر و صلاح هدایت کند. امام علی F7 G در این باره می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ: فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّ» (خطبه 34): اما حق شما بر من آن است که از نصیحت و خیرخواهی شما دریغ نورزم (دشتی، 1388: 59).

3-1-7. مشورت با مردم

با آنکه مولا علی (ع) F7 G همچون رسول الله (ص) F9 G از مقام عصمت برخوردار بود و بارها در عرصه‌های مختلف سیاست‌مداری و درایت‌مندی ایشان بر همگان آشکار شده بود، با این‌همه در امور مختلف با اطرافیان خود مشورت می‌کردند، زیرا آن را موجب دلگرمی آن‌ها و مشارکت ایشان در امور جامعه می‌دانستند. در نامه‌ای که آن حضرت به مالک اشتر نخعی نوشته‌اند، جایگاه مشورت در تدبیر و برنامه‌ریزی درست را به وی گوشزد کرده و او را به پرهیز از خودرأیی دعوت می‌کند.

3-1-8. مردم‌گرایی و مهربانی با مردم

حضرت علی (ع) F7 G مردم‌گرایی و مهربانی با مردم را از اصول اساسی حکومت اسلامی و از حقوق شهروندان در جامعه دانسته و مهربانی و مردم‌مداری حکام را موجب حکومت آن‌ها بر دل‌ها و قلوب شهروندان می‌داند. در نامه 53 نهج البلاغه از ایشان خطاب به مالک اشتر، حاکم مصر آمده است: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللِّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ» (نامه 53): مهربانی با مردم را پوشش دل خود قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی (دشتی، 1388: 403)، و در جای دیگری می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» (نامه 53): دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد (دشتی، 1388: 405).

3-2. حقوق اقتصادی

3-2-1. تأمین رفاه و از بین بردن فقر در جامعه

یکی دیگر از حقوق اقتصادی شهروندان از نظر حضرت علی (ع) F7 G تأمین رفاه و از بین بردن فقر در جامعه توسط حکومت است. ایشان در نامه‌ای که به مالک اشتر حاکم مصر نوشته‌اند، وظیفه او را جمع‌آوری خراج، نبرد با دشمنان، اصلاح کار مردم و آباد کردن شهرها بر شمرده‌اند¹ (دشتی، 1388: 403). همچنین از

1. هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ، حِينَ وُلَاةَ مِصْرَ: جِبْوَةَ خَرَاجِهَا، وَجِهَادَ عَدُوِّهَا، وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا، وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا (نامه 53).

آن حضرت است که فرموده‌اند: «برای مبارزه با فقر و تأمین نیاز اقتصادی همه اعضای جامعه، کافی است که ثروتمندان حقوق مالی خود را بپردازند» (دیرباز، 1380: 96). با دقت در این موارد، می‌توان رابطه مستقیم آن‌ها با تأمین رفاه و ازبین بردن فقر در جامعه را دریافت، زیرا جمع‌آوری خراج از ثروتمندان و توزیع آن در میان فقرا، جز در راستای زدودن سیمای فقر از جامعه انجام نمی‌شود؛ همچنین است پرداختن به عمران و آبادانی شهرها، زیرا سایه سنگین فقر در جامعه، سیمای درخشان آفتاب رفاه و آسایش را در پس خویش پنهان داشته و ویرانی شهرها را موجب می‌شود.

2-2-3. مبارزه با ناهنجاری‌های اقتصادی و عوامل برهم‌زننده بازار

تأمل در فحوای کلام حکیمانه مولا علی F7 G در نامه 53 نهج البلاغه، خطاب به مالک اشتر، بیانگر نظر ایشان در رابطه با لزوم دخالت دولت در نظام اقتصادی جامعه به منظور برقراری تعادل در بازار است. آن حضرت در پیگیری و شرکت در مسائل جاری جامعه و رفاه حال شهروندان همواره به ارزیابی و کنترل نرخ و قیمت بازار (تسعیر)، ممنوع کردن غیرمسلمان از صرافی (کنترل پول)، نظارت بر اقدامات کارگزاران، جلوگیری از ربا و احتکار، تشویق بازاریان و مردم به دادوستد عادلانه، نظارت و بازرسی‌های مداوم می‌پرداختند و در این بین، وظیفه همه شهروندان را در یاری رساندن به مسئولان متذکر می‌شدند (نظریور، 1380: 263). ایشان در این نامه خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «وَأَعْلَمُ - مَع ذَلِك - أَنْ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَشُحًا قَبِيحًا، وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَتَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَذَلِك بَابٌ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ، فَامْنَعُ مِنَ الْأَحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ F9 G مَنَعَ مِنْهُ، وَلَيْكِنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا: بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ، وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكِ إِيَّاهُ فَتَكُلْ» (نامه 53): بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ‌نظر، بدمعامله، بخیل و احتکارکننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار و عیب بزرگی برای زمامدار است. پس از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا F9 G از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به‌سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد؛ با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود (دشتی، 1388: 415).

3-3. حقوق اجتماعی

3-3-1. تأمین عدالت اجتماعی

یکی از اصولی که امروزه در مباحث شهری بر آن تأکید می‌شود، شیوه توزیع منابع محدود شهرها با توجه به عدالت اجتماعی به منظور برخورداری اقشار مختلف به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و ناتوان از این منابع است، زیرا «تخصیص منابع با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال دارد» (شکویی، 1380: 27). احادیث و روایات مربوط به سیره عملی حضرت علی (ع) نشان‌دهنده توجه ویژه ایشان به اقشار آسیب‌پذیر و ضعیف جامعه چون سالمندان، فقرا، خانواده‌های بی‌سرپرست و غیره است. ایشان در نامه 53 نهج البلاغه به مالک اشتر می‌فرمایند: «افراد سالخورده، مریض، ازکارافتاده و ناتوان در برابر جامعه تکلیفی ندارند، ولی حقی دارند و لازم است از آنان مانند شهروندی از جامعه مراقبت شود» (دشتی، 1388: نامه 53). آن حضرت تأکید دارد اگر برای اجرای عدالت نبود، رشته قدرت و حکومت را به حال خود رها می‌کردم تا ببینند حکومت برای من ذره‌ای ارزش ندارد (طهماسبی پور و تاجور، 1390: 16). جرج جرداق درباره رعایت عدالت علی (ع) می‌نویسد: «سعی او در ایجاد عدالت اجتماعی در نظریه‌ها و بیانات و حکومت و سیاستش متجلی است که در هر موقعیت برای ازمیانبرداشتن تجاوزکاران به حقوق مردم می‌کوشیدند؛ آنانی که با بیچاره کردن توده‌ها و زیرپاگذاشتن مصالح و منافع جامعه، پایه افتخارات پوشالی خود را بر دوش‌های رنج‌کشیده ملت می‌نهادند» (جرداق، 1362، ج 1: 179).

3-3-2. تعلیم و تربیت

حکومت مورد نظر امام علی (ع) علاوه بر آنکه باید حافظ جان و مال مردم بوده و نیازهای مادی آن‌ها را برآورده کند، باید در جهت تأمین و ترقی فرهنگ عمومی از طریق تعلیم تربیت مردم نیز کوشا باشد. بر این اساس ایشان در طول حیات پربرکت‌شان (چه آن زمان که خانه‌نشین بودند و چه زمانی که به‌عنوان خلیفه زعیم جامعه اسلامی بودند)، از طریق برپایی مجالس تفسیر آیات قرآن و نیز از طریق ایراد خطبه برای مردم در جهت تعلیم و تربیت مردم تلاش می‌کردند. همچنین با فرستادن حافظان و مفسران قرآن به سرزمین‌های اطراف، به هدایت و روشننگری مردمان آن سامان می‌پرداختند. ایشان در خطبه چهارم نهج البلاغه، خطاب به مردم بصره می‌فرمایند: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي

الظُّلْمَاءِ، وَتَسَنَّمْتُمُ الْعُلِيَاءَ وَبِنَا أَنْفَجَرْتُمُ عَنِ السَّرَارِ وَقَرَعَصَ سَمْعٌ لَمْ يَفْقَهُ الْوَاعِيَةَ كَيْفَ يَرَاعِي النُّبَأَةَ مَنْ أَصَمَّتْهُ الصَّيْحَةُ رُبَطَ جَنَائِصَ لَمْ يَفَارِقْهُ الْخَفَقَانُ. مَا زِلْتُ أَنْتَظِرُ بِكُمْ عَوَاقِبَ الْعَذْرِ، وَأَتَوَسَّمُكُمْ بِجَلِيَّةِ الْمُعْتَرِينَ» (خطبه 4): آن هنگام که در جاده‌های ضلالت سرگردان بودید، راهنما و دلیلی نمی‌یافتید، شما را به جاده‌های حق رهبری کردم، تشنه رهبر بودید و او را نمی‌یافتید، من شما را به سرچشمه حقیقی رهنمون شدم (دشتی، 1388: 33). مولای متقیان به پیروی از مضامین قرآنی و سیره پیامبر F9 G در خطبه 34 نهج‌البلاغه به این وظیفه حکومت در قبال مردم اشاره کرده و رشد و شکوفایی جامعه اسلامی را در گرو توسعه فرهنگی و گسترش دامنه تعلیم و تربیت همه طبقات جامعه دانسته است، زیرا آن حضرت به‌خوبی واقف بود که زمانی جامعه می‌تواند روی پای خود بایستد و استقلال و عزت و کرامت خود را در برابر بیگانگان حفظ کند که از سطح فرهنگ و دانش بالایی برخوردار باشد (گل‌صنم‌لو و موحدی‌محب، 1390: 142).

3-3-3. امنیت

یکی از حقوق اجتماعی مردم، تأمین امنیت برای آن‌ها از سوی حکومت است. قرآن کریم نیز در آیات متعددی (بقره: 126، عنکبوت: 67 و قریش: 4) مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت وجود امنیت در جامعه اشاره کرده است. از نظر حضرت علی F7 G نیز امنیت واقعی مبتنی بر نظم و قانون الهی بوده و از اهداف و آرمان‌های ایشان در طول دوره خلافت بوده است. حضرت امیر حکومت با قوانین نامطلوب را از هرج و مرج و بی‌قانونی بهتر و آسیب و تباهی‌اش را کمتر می‌داند. آن حضرت امنیت را نعمتی گوارا می‌داند که سرمنشأ رفاه، زندگی، آبادانی و آسایش شهروندان است.

3-4. تکالیف شهروندان در نهج‌البلاغه

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، بر اساس اصل تماثل حقوق متقابل، اثبات هر حقی برای شخص یا اشخاصی، وجوب تکلیف بر وی را نیز ثابت می‌کند. حضرت علی F7 G نیز علاوه بر آنکه قائل به حقوق مردم در برابر حکومت‌ها هستند، وظایفی را نیز برای آن‌ها در رابطه با حکومت متصورند که در خطبه‌های 8، 16، 22، 34، 54، 119، 168، 169 و 216 و نیز در نامه 35 نهج‌البلاغه به برخی از این وظایف و تکالیف اشاره شده است. در ادامه به بیان برخی از این تکالیف می‌پردازیم.

3-4-1. وفاداری به بیعت

وفای به عهد و بیعت مردم، نسبت به کسی که او را به زمامداری خویش برگزیده‌اند، یکی از وظایفی است که در نظام‌های سیاسی گذشته و امروز، بر آن تأکید شده و شکستن پیمان همواره مضموم و نکوهیده بوده است. بر این اساس است که پس از واقعه عاشورا، نه تنها اهل تشیع بلکه هر انسان آزاده‌ای پیمان‌شکنی کوفیان را مورد نکوهش قرار می‌دهد. حضرت علی (ع) F7 G نیز در خطبه 34 نهج البلاغه، وفاداری به بیعت را از وظایف مردم (کوفیان) نسبت به خود عنوان می‌کند: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ»؛ و اما حق من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید (خطبه 34).

3-4-2. اطاعت از قوانین و دستورات حکومت

گرچه از نظر اسلام، اطاعت و فرمان‌برداری مخصوص خداوند است، ولی اطاعت غیرخدا (از جمله حکام و قوانین وضع شده از سوی آنها) را در صورتی که در طول اطاعت خدا بوده و منافاتی با قوانین الهی نداشته باشد، جایز شمرده‌اند؛ از این رو حضرت امیر (ع) F7 G نیز اطاعت مردم از ایشان را از جمله حقوق حقه خود به عنوان حاکم جامعه دانسته و در این باره می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ»؛ و اما حق من بر شما این است که... هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید (خطبه 34).

3-4-3. اجابت دعوت حاکم

اغلب کشورها، چه در گذشته و چه امروزه، معمولاً در عرصه بین‌الملل با تهدیدها و تهاجم‌های دشمنان خارجی مواجه هستند؛ از این رو یکی از وظایف بر عهده زمامداران، بسیج عمومی مردم برای مقابله با این تهدیدها و تهاجم‌هاست. وظیفه مردم نیز در این زمینه، اجابت دعوت حکام و فرمانروایان است که در قوانین اسلامی از آن با عنوان جهاد اصغر نام برده شده است. حضرت علی (ع) F7 G نیز یکی از حقوق خود بر مردم به عنوان حاکم جامعه اسلامی را اجابت دعوت خود عنوان کرده و می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... وَالْإِجَابَةَ حِينَ أَدْعُوكُمْ»؛ و اما حق من بر شما آن است که هرگاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید (خطبه 34). ایشان در خطبه «جهاد»، پس از نکوهش کوفیان به علت نافرمانی، می‌فرماید: «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا، وَسِرًّا وَإِعْلَانًا، وَقُلْتُ لَكُمْ: اغزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغزُوَكُمْ، يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ! خُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَعُقُولُ رِبَاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرُكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً - وَاللَّهِ - جَرَّتْ نَدْمًا، وَأَعَقَبْتُمْ سَدْمًا قَاتَلَكُمْ اللَّهُ! نَقْدُ

مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا وَسَخَنْتُمْ صُدْرِي غَيْظًا، وَجَرَعْتُمُونِي نُعْبَالْتَهُمَامِ أَنْفَاسًا وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَالْحَذْلَانِ» (خطبه 27): آگاه باشید! من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آن با آنان بجنگید، با آنان نبرد کنید (ولی شما گرمای هوا را بهانه کرده و نافرمانی کردید)، ای مردنمایان، ای کودک‌صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد. چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم. با نافرمانی و ذلت‌پذیری، رأی و تدبیر مرا تباه کردید (دشتی، 1388: 51).

3-4-5. پرداخت مالیات

از زمان شکل‌گیری نخستین حکومت‌ها تاکنون، مالیات ابزاری برای اداره کشورها و تجهیز آن‌ها به تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز مردم بوده است. امروزه اهمیت پرداخت مالیات در جوامع به قدری بالاست که یکی از دلایل شکاف عمیق بین کشورهای شمال و جنوب اقتصادی را از نظر شاخص توسعه، به پرداخت منظم مالیات در کشورهای توسعه‌یافته و فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه ربط می‌دهند. پرداخت مالیات به شکست طرح‌ها و برنامه‌های دولت می‌انجامد و پیامدهای ناشی از این شکست نیز دامن‌گیر شهروندان همان جامعه می‌شود. حضرت علی (ع) در نامه به مالک اشتر، یکی از وظایف او را جمع‌آوری خراج و مالیات برمی‌شمارد. همچنین در نامه 25 نهج البلاغه، خطاب به مأموران جمع‌آوری مالیات می‌فرماید: «انْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحِدَّةٍ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَا تُرَوِّعَنَّ مُسْلِمًا، وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا، وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ... ثُمَّ تَقُولُ: عِبَادَ اللَّهِ، أُرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَوَلَّى اللَّهُ وَخَلِيفَتُهُ، لِأَخُذِ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ لِلَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقِّ قَتُودِهِ إِلَيَّ وَوَلِيِّهِ» (نامه 25): با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور از زمین او نگذر و افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر... سپس می‌گویی: ای بندگان خدا، مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل بگیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید (دشتی، 1388: 361).

این‌گونه بیانات حضرت امیر F7 G نشان می‌دهد که یکی از وظایف و تکالیف مسلمانان در قبال حکومت اسلامی، پرداخت مالیات است. همچنین ایشان در نامه به مخنف بن سلیم، فرماندار اصفهان، ترس از خدا، خوش‌رویی و مهربانی با مردم و امانت‌داری را از اخلاق کارگزاران مالیاتی عنوان می‌کند.

3-4-6. شرح صدر

در همه جوامع و با هر سطح علمی و اقتصادی، مسائل و مشکلاتی وجود دارد که حل آنها جز با تدبیر بجا و درست مسئولان از یک سو و کمک مردم و سعه صدر آنها در برابر مسائل و مشکلات از سوی دیگر، امکان پذیر نیست؛ از این رو قرآن کریم با بیان داستان مأموریت حضرت موسی F7 G از سوی خداوند، برای هدایت و مبارزه با فرعون و طلب شرح صدر او در این راه، در واقع می خواهد غیرمستقیم به انسان ها بیاموزد که در برابر مسائل و مشکلات زندگی سعه صدر داشته باشند (رَبِّ اِشْرَاحِ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي اَمْرِي وَ اَحْلِلْ عَقْدَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي، طه: 25-28)؛ از این رو یکی از تکالیف مردم، داشتن سعه صدر در برابر مسائل و مشکلات جامعه و همگامی و همراهی با مسئولان برای غالب آمدن بر مشکلات است. مولا علی F7 G در بیانی، سعه صدر را عفو و گذشت فرد، به رغم دارا بودن قدرت و توان بر مجازات می داند: «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَ إِلَى الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَ لَا كَ وَ قَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرَهُمْ وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ» (نامه 53): آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام تو از برتر و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده است و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است (دشتی، 1388: 405).

نتیجه گیری

در دنیای پرطمطراق امروزی که سرمایه داری و تفکرات وابسته به آن هر روز بیش از گذشته ارزش های انسانی را بلعیده و به کام خود می کشد، توجه دیگر باره بشر به خداوند و تفکر در ذات و غایت آفرینش خویش می تواند بار دیگر ندای خلیفه الهی انسان را در جهان به اهتزاز درآورد و در این راه قرآن - به عنوان تنها کتاب آسمانی تحریف نشده و نهج البلاغه که بدان برادر قرآن گفته می شود - می تواند راهگشای مطمئنی باشند. یکی از اصولی که توجه و مراعات آن، نقش مهمی در دستیابی به جامعه آرمانی الهی دارد، رعایت اصل تمائل حقوق متقابل از سوی شهروندان است و نهج البلاغه - به علت محتوای غنی و سرشار از حکمت بالغه علوی آن، چراغ هدایتگری در این راه است. مقاله حاضر نیز تلاشی بود در حد بضاعت علمی نویسندگان، در جهت واکاوی حقوق و تکالیف شهروندی از منظر این کتاب ارزشمند و مقدس.

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش مشخص شد شهروند جامعه اسلامی از دیدگاه حضرت علی (ع) F7 G، دارای حقوق و تکالیفی است که مراعات آن ضامن حفظ و بقای جامعه و دستیابی به آن جامعه آرمانی خواهد بود. علی (ع) F7 G با تأکید بر اصولی چون عدالت اجتماعی، تأمین و آزادی، رفاه و امنیت، برابری در مقابل قانون و رعایت حقوق اقلیت‌ها، سعی در تألیف قلوب شهروندان نسبت به یکدیگر و ایجاد احساس میهن‌پرستی بین تمام جامعه دارد. در حالی که در جامعه به اصطلاح شهروندمدار غرب، نظام سرمایه‌داری و ارزش‌های حاکم بر آن، هر روز انسان‌ها را از یکدیگر دور کرده و شعار «انسان تنها زاده شده و تنها می‌میرد»، هر روز پرمعناتر می‌شود.

از دیدگاه مولا علی (ع) F7 G در نهج‌البلاغه، اعتبار حکومت تنها در کمک آن به تحقق آرمان‌ها و اهداف الهی در جامعه است چون برپایی عدالت، حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی، و زمینه‌سازی برای تعالی انسان‌ها که همه از شاخصه‌های حقوق شهروندی هستند و این بیانگر آن است که دین اسلام به‌عنوان متکامل‌ترین و به‌روزترین دین الهی و بزرگان دینی آن چون ائمه اطهار، تنها به تعالی دینی و اعتقادی انسان‌ها توجه نداشته است، بلکه بسیار مترقی‌تر از نظریه‌های غربی - که صدای دهل حقوق بشری‌شان گوش جهانیان را کر کرده است - به انسان و حقوق انسان توجه کرده است.

در نهایت، خاتمه کلام را به فرمایش گهربار حضرت علی (ع) F7 G در رابطه با حقوق و تکالیف شهروندان اختصاص می‌دهیم؛ امید آنکه بشر امروز، به فرمایش‌های ایشان توجه داشته و فرمایشات ماورای زمانی وی را سرلوحه زندگی قرار دهد. «ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید؛ و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان بر ایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را فراخواندم، اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید» (دشتی، 1388: 61؛ خطبه 34).

فهرست منابع

قرآن کریم

- احمدزاده، سید مصطفی (1384)، «حقوق شهروندی»، مجله اندیشه، سال یازدهم، شماره 6.
- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (1388)، «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره 8.
- اعرافی، علیرضا (1380)، «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی (ع)»، فصلنامه حوزه و دانشگاه. پژوهش‌های، سیاوش؛ تاجور، آذر (1390)، «حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه علمی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.
- جاوید، محمدجواد؛ صادقی، محمد؛ شفیق‌زاده خولنجانی، مصطفی (1391)، «نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره 59.
- جرداق، جرج (1362)، علی و حقوق بشر، ترجمه عطاءمحمد سردارنیا، جلد 1، تهران: فراهانی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1385)، مبسوط ترمینولوژی حقوق، تهران: بینش.
- جوادی آملی، عبدالله (1385)، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء.
- دستمالچیان، احمد (بی تا)، کلیاتی درباره حقوق شهروندی، وزارت کشور، اداره صیانت از حقوق شهروندی. دهخدا، علی اکبر (1347)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیرباز، عسگر (1380)، «عدالت اقتصادی در کلام و سیره امام علی (ع)»، فصلنامه حوزه و دانشگاه.
- شکویی، حسین (1380)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت، جلد 1، چاپ پنجم.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (1385)، صحیفه نور (دوره 22 جلدی)، چاپ هشتم.
- علیا، ساجده (1390)، «جایگاه حقوق شهروندی در عصر هخامنشیان»، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره‌های 13 و 14.
- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (1375)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (1386)، مقدمه علم حقوق، تهران: میزان.
- گل‌صنم‌لو، زین‌العابدین و موحدی‌محب، عبدالله (1390)، «حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره 7.
- گیرشمن، رومن (1388)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محسنی، فرید (1386)، «گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.
- مطهری، مرتضی (1377)، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران: صدرا، چاپ 28.
- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ مهریزی ثانی، محمد (1392)، «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین، سال پانزدهم، شماره 61.
- نظرپور، محمدتقی (1380)، «امام علی (ع)، حکومت و بازار»، فصلنامه کتاب نقد، سال سوم، شماره 3.
- نهج البلاغه (1388)، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت، چاپ دهم.

